

خبرنگاران رسانه های غرب، شواهدی از پنهانکاری و فریبکاری نهادهای تحقیقاتی و شرکت‌های دارویی در اروپا و آمریکا افشامی کنند

# فریب بیماران بی‌خبر با داروی شرارت



## رسوایی خون‌های آلوده در بریتانیا

■ **هارون صدیق**  
■ **Haroon Siddique**  
خبرنگار حقوقی

the guardian

نگران‌کننده است، بویژه که در مطبوعات آخر هفته خواندم که این بیماری از طریق پلاسما خونگی که از ایالات متحده وارد شده است منتقل می‌شود. غربالگری HIV برای تمام خون‌های اهدایی در بریتانیا از ۱۴ اکتبر ۱۹۸۵ آغاز شد. نظریات این مقام کابینه بریتانیا به اندازه‌ای رسواکننده تلقی شد که دولت به‌دنبال جلوگیری از انتشار آن در سال ۱۹۹۰ در جریان اقدامات قانونی برای پیگیری این رسوایی بود. در آن زمان کلارک وزیر بهداشت بود. در نامه دیگری که توسط ایوانز فاش شد، در تاریخ ۲۲ مارس ۱۹۹۰، یکی از مقامات وزارت بهداشت به مسئولان دولتی با وجود اعتراف به اینکه مبنای قانونی برای انجام این کار «مشکوک» است، می‌خواهد نامه روسی را رد کند. وی توضیح داد: مشکل آن نامه این است که به نظر می‌رسد طبق گفته وزیر یا لاقلاً مطابق آنچه در مطبوعات خوانده است، ایدز از طریق پلاسما خون منتقل می‌شود در حالی که هیچ جمع بندی نهایی مبنی بر این مسأله وجود ندارد. این مقام همچنین ابراز تمایل کرد که از انتشار یک سند مرتبط با سال ۱۹۷۸ خودداری کند زیرا به بی نتیجهی ویژه وزارت بهداشت به آزمایشگاه فرآورده‌های خونی بریتانیا اشاره دارد.

ایوانز که در تحقیقات خون آلوده مدارک مختلفی را ارائه کرده است، می‌گوید: «این اسناد نشان می‌دهد که دولت مدت‌ها قبل از این که به این مسأله اعتراف کند می‌دانست که ایدز از طریق فاکتور ۸ منتقل می‌شود و سال‌های متمادی در مورد این مسأله کاری نکرده بود و اجازه انتقال بیماری را داده بود. این نامه یک بار برای همیشه ثابت می‌کند که وزرا بخوبی از خطرات آگاه بودند. من فکر می‌کنم کلارک باید به سؤالات جدی و مهمی در این زمینه پاسخ بدهد. ابدا منظورم این نیست که او باید آینده نگری می‌بود و

پیشگویی می‌کرد. بله کلارک ماه‌ها بعد از زمانی که از خطرات جدی مطلع شد اطلاعات نادرست را منتشر می‌کرد. فراموش نکنیم که در دهه ۱۹۸۰، بدون هیچ درمانی، ایدز یک حکم اعدام تضمین شده بود. با توجه به اطلاعاتی که در اختیار داریم، منطقی است که بگویم اگر فاکتور ۸ در مه ۱۹۸۳ یا قبل از آن از استفاده خارج می‌شد، جان صدها نفر نجات می‌یافت و پدرم احتمالاً امروز هنوز زنده بود.» دس کالینز، عضو ارشد در انجام دهند، تقویت می‌کند: «بیش از ۱۴۰۰ خانواده متأثر از رسوایی خون آلوده است، نامه روسی را به‌عنوان شهادتی محکم و متقن توصیف کرد. وی افزود: «ما همیشه ظنن بودیم که یک پوشش دولتی برای این کار وجود داشته است، اما این نامه به این استدلال اعتبار می‌دهد و تلاش ما را برای شناساندن گناه کسانی که در تمام آن سال‌ها نتوانستند کار درست را انجام دهند، تقویت می‌کند.» سخنگوی وزارت بهداشت و مراقبت‌های اجتماعی از اظهار نظر مستقیم در مورد این اسناد خودداری کرده بود، اما گفت که متعهد است در مورد تحقیق پیرامون این مسأله شفاف باشد. کلارک هم در این زمینه گفت: «در سال ۱۹۸۳ من وزیر بودم، اما فرآورده‌های خونی جزو مسئولیت‌های من نبود. به‌عنوان وزیر مسئول در مجلس اعیان، من گاهی به سؤالات کتبی در مجلس عوام پاسخ می‌دادم. من همیشه کلماتی به کار می‌بردم که برای توصیف توصیه‌های بالینی پزشکی در آن بخش استفاده می‌کردم: «شواهد قطعی وجود نداشت.» من هرگز سندی را که به نظر می‌رسد نظر یک وزیر است ندیده ام. من هرگز اسناد مورد ۱۹۹۰ را بحث‌ناپذیر بودم و در آن زمان هرگز در مورد این جهت‌ها چیزی به من گفته نشده بود.»

## سوغات مرگبار داروی آلمانی برای نوزادان اروپایی

■ **فردریک داو**  
■ **Frederick Dove**  
خبرنگار

BBC NEWS

پنجاه سال پیش، هزاران مادر پس از به دنیا آوردن نوزادان ناتوان داروی آرام بخش «تالیدومید» را کنار گذاشتند. نسل سالخورده تالیدومید اکنون با افزایش صورت‌حساب‌های پزشکی و مراقبتی مواجه است اما برخی امیدوارند پیوند احتمالی نازی‌ها با این دارو بتواند غرامت بیشتری را به همراه داشته باشد. در نوامبر ۱۹۶۱، من پنج ماهه بودم. خانواده من نمی‌دانستند که چرا پسر بچه سالم آنها با دستان کوتاه، دست‌های پیچ خورده و بدون شست به دنیا آمده است. اما در پایان آن ماه، حقیقت بالاخره آشکار شد.

پس از اینکه یک روزنامه آلمانی گزارش داد که تالیدومید عامل احتمالی موج مرزوز نوزادان معلول متولد شده در آلمان از سال ۱۹۵۸ بوده است، تولیدکننده دارو، شیمی گرونتال، با تحمیل فشار فرایند رو به رو و بالاخره تسلیم شد و در ۲۶ نوامبر تمام محصولات حاوی تالیدومید را که فروش بسیار پرسود و بدون نسخه هم داشتند از داروخانه‌ها خارج کرد.

چند روز بعد، دیستیلر، دارنده مجوز بریتانیایی تالیدومید، در بریتانیا به‌دنبال آن رفت اما برای جلوگیری از خسارت دیگر دیر شده بود. تالیدومید دارای خواص آرام بخش قوی است و بسیاری از زنان در هفته‌های اولیه بارداری برای تسکین حالت تهوع صبحگاهی خود از آن استفاده می‌کردند اما کاملاً غافل از این بودند که تأثیر آن بر جنین می‌تواند وحشتناک باشد.

اندام‌ها ممکن است به‌درستی رشد نکنند، در برخی موارد نیز چشم‌ها، گوش‌ها و اندام‌های داخلی، هیچ کس نمی‌داند که این دارو به چند سقط جنین منجر شده است، اما تخمین زده می‌شود که تنها در آلمان ۱۰۰۰۰ نوزاد مبتلا به اثرات ناشی از تالیدومید متولد شده‌اند. بسیاری از آنها ناقص‌الاسب دیده بودند که نمی‌توانستند برای مدت طولانی زنده بمانند. امروزه کمتر از ۳۰۰ نفر از آنها هنوز زنده هستند. در بریتانیا، این عدد حدود ۴۷۰ است. در میان تقریباً ۵۰ کشور افراد آسیب دیده وجود دارند. ژاپن تقریباً ۳۰۰ بیمار دارد، کانادا و سوئد هر دو بیش از ۱۰۰ و استرالیا ۴۵ نفر. دولت اسپانیا اخیراً اذعان کرده است که این دارو در آنجا هم توزیع شده است. هیچ کس نمی‌داند که چه تعداد بازمانده اسپانیایی وجود دارد. می‌تواند صدها نفر باشد.

پس از سال ۱۹۶۱، این دارو ناپدید نشد. محققان عرصه پزشکی کشف کرده بودند که می‌تواند در

امروزه بهداشت یکی از کلیدواژه‌های اصلی در بین تمامی دولت-ملت‌ها است. با وجود پیشرفت علمی و تکنولوژی هزاره دوم، اما وجود بیماری‌های مزمن و همچنین آسیب‌های اجتماعی از یک سو و وجود داروهای که توسط شرکت‌های بزرگ داروسازی تولید می‌شود، حیات انسانی را با خطر مواجه کرده است که کارشناسان حوزه بهداشت و سازمان بین‌المللی بهداشت لزوم نظارت جدی را برای نحوه تولید و یا در کل چرخه تولید دارو در نظر گرفته است. به‌نظر می‌رسد تحولات خارجی در صنعت بهداشت لزوم انقلاب بهداشتی در سطح جهانی را می‌طلبد.

درمان‌های خاص بسیار مؤثر باشد اما اقدامات احتیاطی سنگین‌ترانه باید انجام شود و این مراقبت‌ها بویژه در مورد زنانی لازم است که در سنین باروری هستند. اما متأسفانه، در برزیل، جایی که این دارو به طور گسترده در درمان برخی از علائم جذام استفاده می‌شد، اکنون نسل جوان‌تری از بازماندگان ناتوان به‌خاطر مصرف تالیدومید وجود دارد.

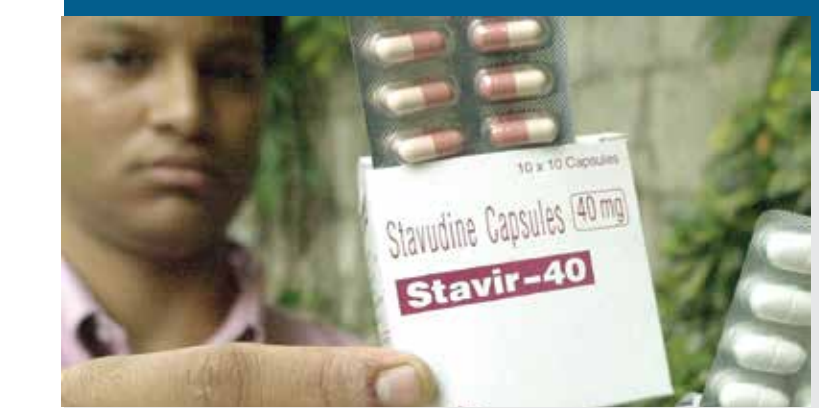
همانطور که اثر دارو در رحم کاملاً تصادفی به نظر می‌رسد، غرامت دریافتی نیز به همین ترتیب بود. در سال‌های اخیر، بازماندگان بریتانیایی امتیازاتی را از دولت، مقامات مالیاتی و شرکت جانشین دیستیلر به دست آورده‌اند که میانگین فعلی پرداخت غرامت در بریتانیا را به حدود ۶۳۰۰۰ دلار در سال افزایش داده است.

اما در جاهای دیگر، بازماندگان هنوز چیزی دریافت نکرده‌اند یا دریافتی آنها بسیار کم بوده است. از ۶۰۰۰ بازمانده امروزی در سراسر جهان، تقریباً نیمی از آنها تحت قرارداد غرامت در آلمان قرار دارند. این عدد در حال حاضر حاخر کمتر سالانه حدود ۱۳۵۰۰ یورو است که نیازهای افرادی را که



دچار نارسایی‌های متعدد اندام هستند پوشش نمی‌دهد. بسیاری از آنها در آمد مستقلاً ندارند و نیاز به مراقبت مداوم دارند. کمپین‌های غرامت بالاتر در آلمان و کشورهای دیگر به راه افتاده است اما پیشرفت کند بوده است. اگر اثبات شود برخلاف آنچه دائماً گفته می‌شود شیمی گرونتال نبود که تالیدومید را کشف کرد بلکه دانشمندانی که برای رژیم نازی کار می‌کردند این کار را انجام داده‌اند، عدد غرامت می‌تواند به طور چشمگیری تغییر کند. گرونتال، تالیدومید را در اواسط دهه ۱۹۵۰ به ثبت رساند. اما تحقیقات در دو سال گذشته تأیید کرده است که نام تجاری آلمانی - کنتراگان در اوایل دهه ۱۹۴۰، زمانی که عمل‌تحت کنترل نازی‌ها بود، متعلق به شرکت داروسازی فرانسوی رون بولنک بوده است.

همچنین اکنون مشخص شده است که گرونتال بخشی از شبکه‌ای از دانشمندان و بازرگانان آلمانی پس از جنگ بود که در دوران نازی نقش‌های اصلی



بدین ترتیب افراد خارج از سازمان غذا و دارو نیز متوجه مشکلات داروهای ژنریک شدند. ایوان شک و تردید زیادی نسبت به برخی از داروهای ژنریک در میان پزشکان در ایالات متحده و آفریقا ثبت می‌کند. پس از موارد متعددی که در آن بیماران پس از تغییر به داروهای ژنریک با مشکلاتی مواجه شدند به همین خاطر بسیاری از متخصصان پزشکی از تجویز داروهای ژنریک خاص اجتناب کردند.

برخی از بیمارانی که به نسخه عمومی ولیوتورین، یک داروی ضد افسردگی روی آوردند، در سردرد، حالت تهوع، تحریک‌پذیری و حتی افکار خودکشی شکایت داشتند. گزارش‌هایی از قرص‌هایی وجود داشت که به معنای واقعی کلمه بوی «ماهی» می‌داد. پنج سال طول کشید تا سازمان غذا و داروی آمریکا این مسأله را تأیید کند. وضعیت در آفریقا حتی بدتر بود،

شرکت‌هایی را توصیف می‌کند که با عجله فضاهای کاری را تمیز می‌کنند، سوابق را خرد و سندسازی می‌کنند، حتی داروهای آلوده را نیز از بین می‌برند. اما شواهدی که تاکنون به سازمان غذا و دارو ارائه کرد به اقدام فوری و گسترده منجر نشد. برخی از کارخانه‌های رانباکسی هشدارها و سایر اقدامات نظارتی را از سازمان غذا و دارو دریافت کردند، اگرچه ایپان آنها را با توجه به دامنه مشکلات ناکافی توصیف می‌کند.

کمتر از یک سال پس از اینکه کارخانه لیبیتور ژنریک در سال ۲۰۱۲ بازرسی شد، رانباکسی اعتراف کرد که برخی از میلیون‌ها قرص ژنریک لیبیتور که قبلاً در ایالات متحده توزیع شده بود، با تیکه‌های کوچک شیشه پر شده بود.

ایپان می‌نویسد که در پاسخ به این کلاهبرداری، تاکنون هرج و مرجی ایجاد کرد که در آن اول بودن مهم‌تر از هر چیز دیگری بود، حتی از کیفیت. بخش عمده‌ای از کتاب روی شرکت هندی رانباکسی که یکی از بزرگ‌ترین تأمین‌کنندگان داروهای ژنریک در سراسر جهان است، تمرکز دارد. در سال ۲۰۱۳ رانباکسی ایالات متحده، به اتهامات متعدد مربوط به فروش داروهای تقلبی و دروغ گفتن به سازمان غذا و دارو در مورد آن، اعتراف کرد. شیوه‌های مبهم رانباکسی در اوایل دهه ۲۰۰۰ شروع شد، اما سال‌ها طول می‌کشید تا سازمان غذا و دارو در مورد این تخلف بیاموزد و حتی بیشتر طول را برای بازرسی‌ها داد. ایپان گزارش‌هایی از

## ارزان اما تقلبی

■ **جاناثان لامبرت**  
■ **JONATHAN LAMBERT**  
خبرنگار

npr

تأثیر شرکت‌های بزرگ دارویی به اتفاق آرا قانونی را تصویب کردند که یک مسیر نظارتی جدید برای داروهای ژنریک ایجاد کرد. زمانی که تولیدکنندگان ژنریک بتوانند ثابت کنند که داروهایشان معادل بیولوژیکی داروهای گران است، به این معنی که در بدن مشابه عمل می‌کنند، می‌توانند تأیید شوند که این یک موهبت برای سازندگان داروهای ژنریک محسوب می‌شد.

اما به گفته ایپان، بخش‌هایی از این قانون، سرعت را بر کیفیت برتری داد. قانون هر کس اول ثبت‌نام کند، به هر شرکتی که برای اولین بار درخون‌شست را در سازمان غذا و دارو ثبت کرد، حقوق انحصاری فروش نسخه داروی ژنریک به‌مدت شش ماه، با قیمت‌های نزدیک به سطح برند اعطا می‌کرد. براساس گزارش ایپان، این قانون هرج و مرجی ایجاد کرد که در آن اول بودن مهم‌تر از هر چیز دیگری بود، حتی از کیفیت. بخش عمده‌ای از کتاب روی شرکت هندی رانباکسی که یکی از بزرگ‌ترین تأمین‌کنندگان داروهای ژنریک در سراسر جهان است، تمرکز دارد. در سال ۲۰۱۳ رانباکسی ایالات متحده، به اتهامات متعدد مربوط به فروش داروهای تقلبی و دروغ گفتن به سازمان غذا و دارو در مورد آن، اعتراف کرد.

شیوه‌های مبهم رانباکسی در اوایل دهه ۲۰۰۰ شروع شد، اما سال‌ها طول می‌کشید تا سازمان غذا و دارو در مورد این تخلف بیاموزد و حتی بیشتر طول

به محض اینکه یک حق ثبت اختراع لغو شد، شرکت‌های داروهای ژنریک راه‌های جایگزینی را برای تولید دارو پیدا می‌کنند. در دنیایی که قیمت داروهای تجویزی سر به فلک کشیده است، ژنریک‌های ارزان‌تر به‌عنوان یک وزنه تعادلی حیاتی عمل کرده‌اند. اما در کتاب بطری دروغ‌ها، کارترین ایپان، روزنامه‌نگار و نویسنده پژوهشگر، جنبه خطرناک و تاریک برخی از زن‌ها را افشا می‌کند. تحقیقات رولایی او تاریخ رونق داروهای ژنریک را ردیابی می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه تقاضای شدید برای داروهای ارزان‌تر شکاف خطرناکی بین مقررات مورد نیاز شرکت‌های دارویی و نحوه رفتار واقعی برخی از آن شرکت‌ها ایجاد کرده است. رونق داروهای ژنریک در اواسط دهه ۱۹۸۰ آغاز شد، زمانی که غول‌های دارویی مانند فایزر بر بازار تسلط یافتند. کنگره آمریکا در سال ۱۹۸۴ در پاسخ به افزایش هزینه‌ها و شکایات در مورد